



دیدگاه صدرالمতالیهین در خصوص حجاب‌های قرآن

کتاب تکوینی الهی و قرآن ناطق ربانی نیز با هفتاد هزار حجاب از جهان غیب و خزینه پنهان الهی نازل شده است تا کتاب تدوینی الهی را حمل کند.

کتاب تکوینی الهی و قرآن ناطق ربانی نیز با هفتاد هزار حجاب از جهان غیب و خزینه پنهان الهی نازل شده است تا کتاب تدوینی الهی را حمل کند.

به گزارش خبرنگار مهر، عارف عابد و زاهد سالک، سید بن طاووس در کتاب «اقبال الاعمال» از شیخ طوسی و ابن ابی قره از ایوب بن یقظین روایت می‌کند که پیرامون دعای سحر از امام رضا علیه السلام پرسش کرد؛ و حضرت رضا (ع) در پاسخ وی فرمودند: «این دعای ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیهما السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان بوده است.» و حضرت رضا (ع) ویژگی‌های زیر را در مورد دعای سحر از پدرشان از امام باقر (ع) نقل می‌فرمایند: بزرگی درخواستهای این دعا در درگاه حق تعالی، سرعت اجابت برای دعاکننده، وجود اسم اعظم در این دعا، دعای سحر از مکنون علم حق تعالی است، سفارش به حفظ این دعا از دسترسی ناهلان.

حضرت باقر (ع) در آخر کلام خویش این دعا را، دعای «مباهله» می‌خوانند. و دعای مباهله، از دعاهایی است که در اعمال روز بیست و چهارم ذی الحجة (روز مباهله) خوانده می‌شود و مشابه دعای سحر با اضافاتی است که از ائمه معصومین (ع) نقل شده است. و در کتابهای دعا مثل «مصباح المتهدج» شیخ طوسی (ره) و «البلد الامین» و «مصباح» کفعمی و «اقبال الاعمال» نقل شده است. حضرت امام خمینی در سن ۲۷ سالگی دعای سحر را شرح کرده اند.

در ادامه قسمت پانزدهم شرح دعای سحر حضرت امام خمینی به نقل از ترجمه فارسی این کتاب تقدیم نگاه مخاطبان می‌شود:

از حضرت علی، علیه السلام، نقل است که فرمود: «ولقد تجلی الله لعباده فی کلامه ولكن لا یبصرون؛ خداوند در آینه کلام خود بر بندگانش تجلی کرده است، ولی آنان بصیرت درکش را ندارند». نیز از آن حضرت وارد شده است که «انما یقول لما اراد کونه: کن فیکون، لا بصوت یقرع ولا ببناء یسمع وائما کلامه سبحانه فعله؛ خداوند متعال به هر چیزی که وجودش را اراده فرماید می‌گوید: موجود شو. و آن چیز موجود می‌شود، [ولی] نه [با گفتن] به صدایی که به گوش رسد یا با آوایی که شنیده شود، بلکه کلام و سخن خدای سبحان همان فعل اوست». اهل معرفت گفته اند: «تکلمه عبارة عن تجلی الحق

الحاصل من تعلقی الارادة والقدرة باظهارها فی الغیب وایجاد؛ تکلم حق تعالی عبارت است از تجلی حق که حاصل تعلق اراده و قدرت اوست بر ایجاد و اظهار آنچه در غیب است».

بشارت

شیخ عارفان کامل جناب صدرالمتالیهین، قدس سره، در کتاب اسفار می‌گوید: «بدان، ای مسکین، که این قرآن با هزار حجاب از سوی حق بر خلق نازل گشته، به خاطر کسانی که چشم دلشان ضعیف و دیده هاشان مثل خفاش از دیدن نور عاجز است. اگر بر فرض بآسمان با عظمتی که در لوح دارد بر عرش فرود می‌آمد، عرش ذوب می‌شد و نابود می‌گشت، چه رسد به آسمان دنیا. و کلام حضرت حق: «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله؛ اگر ما این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم، هر آینه می‌دید که از خشیت الهی خاشع و متلاشی گشته است»، اشاره به همین حقیقت دارد». این کلام از یکی از معادن علم و معرفت صادر شده که برگرفته از مشکات وحی و نبوت است.

من می‌گویم: کتاب تکوینی الهی و قرآن ناطق ربانی نیز با هفتاد هزار حجاب از جهان غیب و خزینه پنهان الهی نازل شده است تا کتاب تدوینی الهی را حمل کند و نفس‌های واژگونه زندانی در طبیعت و جهنم‌های آن را نجات دهد و غریبان این وحشت‌آباد را به وطن‌شان راهنمایی کند. در غیر این صورت، اگر این کتاب مقدس و نوشته پاک سبحانی به اشاره‌ای از اشاره‌ها و جلوه‌ای از جلوه‌هایش تجلی می‌کرد و گوشه‌ای از حجاب‌های نورانی خود را از آسمان و زمین برمی‌داشت، ارکان آن را می‌سوزاند، و اگر بر فرشتگان مقرب جلوه می‌کرد، وجود آنان را درهم می‌کوبید. مولوی در این باره چه خوب سروده است:

احمد ار بگشاید آن پرّ جلیل تا ابد مدهوش ماند جبرئیل

پس، این کتاب تکوینی الهی و اولیای او، که خود از جمله کتاب های آسمانی اند، از بارگاه خداوند حکیم و علیم فرود آمده اند. ایشان حاملان قرآن تدوینی هستند و به جز ایشان که مورد رضایت و پسند خداوندند هیچکس دیگر توان حمل ظاهر و باطن آن را ندارد؛ چنان که این مطلب از طریق امامان اهل بیت (ع) روایت شده است. در کتاب کافی از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «ما يستطيع احد ان يدعي ان عنده جميع القرآن كله، ظاهره وباطنه، غير الاوصياء؛ کسی جز جانشینان پیغمبر نمی تواند ادعا کند که تمام قرآن و ظاهر و باطن آن در نزد اوست». همچنین، در کافی از جابر روایت شده است که گفت: از امام باقر شنیدم که فرمود: «ما ادعى احد من الناس انه جمع القرآن كله كما انزل الا كذاب وما جمعه وحفظه كما انزله الله تعالى الا على بن ابي طالب والائمة من بعده؛ به جز انسان دروغگو کسی نمی تواند ادعا کند که تمام قرآن را همان گونه که نازل شده جمع کرده است. جز علی بن ابیطالب و امامان پس از او، کسی قرآن را آن طور که خداوند نازل کرده گرد نیاورده و حفظ نکرده است». در کتاب کافی، از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «وعندنا والله علم الكتاب كله؛ به خدا سوگند، دانش تمام کتاب تنها در نزد ماست».

سخنی از نور

بدان، همان طور که کتاب تدوینی الهی به یک اعتبار هفت بطن و به اعتبار دیگر هفتاد بطن دارد که جز خدا و راسخان در علم کسی آن ها را نمی داند، و جز آنان که از آلودگی های معنوی و اخلاق پست و زشت پاک شده و به فضیلت های علمی و عملی آراسته شده اند کسی آن ها را در نمی یابد و هر کس پاک و بی آلابشی اش بیشتر باشد تجلی قرآن بر او بیشتر و بهره او از حقایق قرآن فراوان تر است، کتاب های تکوینی انفسیه و آفاقیه الهی نیز درست مثل آن و دارای هفت بطن و هفتاد بطن است که تأویل و تفسیر آن را جز پاک شدگان از پلیدی ها و آلودگی های عالم طبیعت نمی دانند و جز پاکان کسی به آن دست پیدا نمی کند؛ چون این کتب تکوینی نیز از نزد پروردگار رحیم نازل شده اند.

پس ای مسکین، در راه پروردگارت مجاهده کن و دلت را پاک گردان و آن را از تسلط شیطان رها ساز و بالا برو و کتاب پروردگارت را بخوان و با تأمل بخوان و در پوسته آن توقف مکن و گمان مبر که کتاب آسمانی و قرآن فرو فرستاده ربانی همین پوسته و صورت است، زیرا توقف در صورت و ماندن در حد عالم ظاهر و نرفتن به مغز و باطن مرگ و هلاکت و ریشه تمامی جهالت ها و پایه تمامی انکار نبوت ها و ولایت هاست، زیرا اول کسی که در ظاهر ایستاد و چشم دلش از بهره باطن کور شد شیطان لعین بود. او چون به ظاهر آدم (ع) نگریست حقیقت امر برایش مشتبه شد و گفت: من را از آتش آفریدی و او را از گل، پس من از او بهترم، زیرا آتش از گل بهتر است. او ندانست که درک نکردن باطن آدم و دیدن ظاهر او بدون توجه به مقام نورانیت و روحانیتش خروج از مذهب برهان است. لذا، قیاس خود را بر پایه این مغالطه غلط بنا نهاد، چنانچه شرح آن در روایات اهل بیت (ع) آمده است.

در کتاب کافی از عیسی بن عبدالله قرشی نقل شده است که گفت:

ابوحنیفه خدمت امام صادق رسید. حضرت به او فرمودند: «یا اباحنیفة، بلغنی انک تقیس؛ ای ابوحنیفه، به من خبر رسیده که تو قیاس می کنی». پاسخ داد: بله.

حضرت فرمودند: «لا تقس. فان اول من قاس ابليس حين يقول: خلقتني من نار وخلقته من طين. فقاس بين النار والطين. ولو قاس نورية آدم بنورية النار عرف فضل ما بين النورين وفضاء احدهما على الاخر؛ قیاس مکن، زیرا نخستین کسی که قیاس کرد ابلیس بود، آن هنگام که گفت: مرا از آتش آفریدی و او را از گل. پس، او آتش و گل را با هم قیاس کرد و اگر نورانیت آدم را با نورانیت آتش مقایسه می کرد، برتری بین این دو نور را می شناخت و درخشندگی یکی را بر دیگری در می یافت».

از سر همین اشتباه کاری ها و ظاهربینی ها و بستن درهای باطن بود که مردم پیغمبران و رسولان را انکار می کردند، آن هم بدین علت که آنان، علیهم السلام، مانند دیگران در بازارها راه می رفتند و می خوردند و می آشامیدند. خداوند بلند مرتبه سخن آنان را چنین بازگو می کند:

«قالوا ما انتم الا بشر مثلنا وما انزل الرحمن من شيء. ان انتم الا تكذبون؛ گفتند: شما چیزی نیستید جز انسان هایی مانند خود ما. و خداوند رحمان چیزی فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ خبری در کار نیست».